



آن‌هاست. تئاتر مستقل تهران بابرگزاری جمع‌های هنری مثل «عصر تجربه» که سال ۹۸ سومین دور‌هاش بر گزار شدو یا ایجاد سازو کاری برای اجرای سه گروه‌منتخب جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران می‌کوشد در ای در برابر نادیده گرفته شدن این گروه‌ها پایبستد. البته دوباره تاکید می‌کنم، چنین رویکردی یک تعامل دوطرفه‌است و منتهی نیست که مجموعه تئاتر مستقل بر سر گروه‌های جوان بگذارد. ما امکاناتی داریم که با کمال میل در اختیار آنها می‌گذاریم و آنها انرژی و خلاقیتی دارند که ما دار آن سهمیم و به آن مهمان می‌کنند. نهایتا هر دودر کنار هم، رویه پیش حرکت می‌کنیم. توجه به گروه‌های دانشجویی منت‌نیست، افتخار است. اینها اگر در رشته‌های فنی مهندسی تحصیل می‌کردند، بلافاصله پس از برگزیده شدن در جشنواره دانشجویی به آنها می‌گفتند «تخبه» اما متوجه‌نیستیم چرا وقتی در رویداد سراسری هنری منتخب می‌شوند همچنان باید برای بر خورداری از امکانات در برابر وزارت علوم و فرهنگ و ارشاد سر خم کنند.»

نگاهی به سه نمایش «است»، «مشق شب» و «دریم‌لند»

«دریم‌لند» نمایشی است که بر اساس فیلم‌های صامت چارلی چاپلین ساخته‌شده‌است. انگار در حال تماشای سینمای دهه ۱۹۲۰ هستید و همه چیز در سکوت روایت می‌شود! البته موسیقی مخصوص هم در سالن شنیده می‌شود. بازیگران به شکل دور تند بازی می‌کنند و فضا به گونه‌ای پیش می‌رود که انگار پای فیلم‌های چاپلین باهمان حال و هوا نشست‌اید، رشد و توسعه سینمای صامت با آثار کم‌دی گر خورده‌است و در میان غول‌های سینمای کم‌دی کلاسیک، همواره نام‌های چارلی

تعریف جایگاه ارباب و رعیت در تئاتر معنی ندارد. عجیب زمانی است که می‌بینیم یک به اصطلاح هنر مند به خودش اجازه می‌دهد نتیجه تلاش یک گروه هنری را از بابی کیفی و محتوایی کند! او با کدام متر و معیار دست به چنین کاری می‌زند؟

به فشار های متعدد اقتصادی و ممیزی ظرفیت پاسخگویی به تمام نیازهای متورم ناشی از وجود نیروی پر شمار جوان را در اختیار نداریم، بنابراین ناچاریم دست به انتخاب بزینم»

باید از چرخه نزاع بر سر جایزه دوری کرد

بابک احمدی تاکید کرد: «اینجا لازم است یک پراتنز باز کنیم، اینکه می‌بینم بعضی سالن‌ها و مجموعه‌های خصوصی هم بعضا با همین ادعای حمایت از جریان‌های مهجور مانده جوان در تئاتر دست به کار برگزاری جشنواره شده‌اند، این بسیار خوب است ولی بار صد نتیجه عمل آنها باید بگویم اتفاقا شاهد رفتار خطر آفرینی هستم. اول اینکه جریان جوان تئاتر ما امروز به نتیجه رسیده باید از این چرخه نزاع بر سر جایزه دوری کند. اما بر گزار کنندگان جشنواره‌های خصوصی بعضا همسوار و یکرد کهنه‌واز کار افتاده جشنواره‌های دولتی، مدام بر شیپور جایزه می‌کوبند.»

وی افزود: «از همه بدتر اینکه متأسفانه بعضی خودشان را در جایگاه بازیبن و ممیز هم قرار می‌دهند و با یک نگاه بالا به پایین! به گروه دانشجویی یا گروه جوان می‌گویند: «من در ردیف اول سالن می‌نشینم، شما برای من اجرا بروید تا اگر کیفیت داشتید انتخابات کنم» این نگاه از بالا به پایین جز ممیدن بر چرخه‌ای دیکتاتور مایانه نتیجه دیگری ندارد. تعریف جایگاه باب و رعیت در تئاتر معنی ندارد. عجیب زمانی است که می‌بینیم یک به اصطلاح هنر مند به خودش اجازه می‌دهد نتیجه تلاش یک گروه هنری را از زبانی کیفی و محتوایی کند! او با کدام متر و معیار دست به چنین کاری می‌زند؟»

توجه به گروه‌های دانشجویی منت‌نیست، افتخار است

مدیر روابط عمومی تئاتر مستقل تهران در پایان تاکید کرد: «در نهایت هم بخش پایانی پاسخ به سوال شما این است که، گروه‌های تئاتر دانشجویی ذخایر کشف نشده استعداد و خلاقیت‌اند. فقط یکی از مشکلات عمده ما در شناسایی و کشف



کار مهمی انجام می‌دهیم» برای شما شرح دهم.» وی افزود: «اولین نکته اینکه مصطفی کوشکی بعنوان یک فارغ التحصیل هنرهای نمایشی و کسی که خودش هم دستی بر آتش کارگردانی دارد، در دوران تحصیل از نزدیک، پنج ناشی از فقر امکانات و زیر ساخت را تجربه کرده‌است. یعنی دیده ظرفیت‌های موجود در میان دانشجویان به علت جنگ عجیب و غریبی که بر سر سالن‌های کم‌تعداد دولتی وجود دارد چطور نادیده گرفته می‌شود و به نوعی خلاقیت کشی رخ می‌دهد. به همین دلیل هم هست که بلافاصله پس از فارغ التحصیلی به تکاپو می‌افتد یک سالن نمایش و مجموعه هنری راه اندازی کند. این شاید مهمترین ویژگی متمایز کننده تئاتر مستقل تهران نسبت به دیگر سالن‌ها و مجموعه‌های خصوصی باشد، گرچه امروز با افزایش موسسه‌های آموزشی، افراد و گروه‌های تئاتری دیگری نیز باهمین درد مشترک به جریان پیوسته‌اند. گروه‌های با کیفیت دانشجویی امروز دیگر مثل سابق نادیده گرفته نمی‌شوند.»

این فعال رسانه‌ای ادامه داد: «دوم اینکه، همه متوجه هستیم وزارت علوم و وزارت فرهنگ و ارشاد به نمایندگی از دولت هیچ برنامه مدونی برای حمایت از گروه‌های دانشجویی و حتی استعداد های جوان غیر دانشجویی فعال در تئاتر ندار. همین لحظه که ما با هم صحبت می‌کنیم حتی تکلیف دبیر دوره آینده جشنواره تئاتر دانشگاهی روشن نیست، در حالیکه دو ماه دیگر باید بر گزار شود. نکته دیگر اینکه وقتی می‌گوییم «گروه‌های با کیفیت دانشجویی» این خودش واجد یک جور خط کشی و دامن زدن به نوعی خشونت بین گروه‌های جوان است که مادر تئاتر مستقل تهران سعی داریم به نوعی از آن فاصله بگیریم، چرا که معتقدیم تمام علاقه‌مندان و استعداد های جوان باید از توزیع عادلانه امکانات هنری برای کسب تجربه بهره‌مند باشند. مشکل از جایی بوجود می‌آید که دست مایعوان مجموعه فرهنگی غیر دولتی خیلی باز نیست، یعنی باتوجه



سید حسین رسولی

این روزها نمایش‌های «مشق شب»، «دریم‌لند» و «است» از مجموعه نمایش‌های با کیفیت و برگزیده بیست و دومین جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران در «تئاتر مستقل تهران» روی صحنه فته‌اند و البته که تازه تماشاگران خود را پیدا کرده بودند که به علت تعطیلی سالن‌های نمایشی با مشکل مواجه شده‌اند. این آثار با کیفیت به خوبی می‌توانند پتانسیل بالای تئاتر دانشگاهی ایران را نشان بدهند.

این سه نمایش منتخب که در بیست و دومین رویداد تئاتر دانشگاهی ایران مورد توجه داوران، تماشاگران و منتقدان قرار گرفتند از پانزدهم بهمن ماه اجراهای خود را در تئاتر مستقل تهران آغاز کردند. نمایش «است» کاری از گروه تئاتر «است» به کارگردانی پرنیا شمس است که از روز ۱۵ بهمن و از ساعت ۱۹ کار خود را در مجموعه مستقل آغاز کرده‌است. در این نمایش پروانه دلایح، یاسمن رسولی، ترانه یوسفی، شادی صف‌شکن، مهتاب کریمی، صدف ملکی، ماهور میرزا زاد

ایفا ی نقش می‌کنند. نمایش «دریم‌لند» کاری از گروه «تربویا» نوشته صبا تجاتی به کارگردانی مرتضی جلیلی دوست است که اجراهای خورا هم زمان با نمایش «ست» از ۱۵ بهمن آغاز کرده و هر شب ساعت ۲۱ میزبان علاقه‌مندان است. المیرا آشفته، مصطفی امیری، آوا تدین، متین حبیبیان، اسماعیل خزائی، آرش رفیعی، سپهر طهرانچی، رضا مداح، صبا نجاتی‌المیرا آشفته، مصطفامیری، آوا تدین، متین حبیبیان، اسماعیل خزائی، آرش رفیعی، سپهر طهرانچی، رضا مداح، صبا نجاتی در نمایش «دریم‌لند» به ایفا ی نقش می‌پردازند. نمایش «مشق شب» کاری از گروه

«رادیوسیتی» شکل مشهوری از تئاتر مستند است که پایه بر مستندات شکل می‌گیرد. همان چیزی که آلمانی‌ها پیرو مانیفست خود دنبال کردند تا در مدیوم

تئاتر، شکل مستند رویدادها را بنمایی کنند. پیتروایس و طر فدار انش بر اساس مانیفست خود اقدام به تولید آثاری کردند که بدون واسطه‌های ادبی و هنری، پیام نمایش به مخاطب انتقال یابد. رویه‌ای کاملاً برآمده از اندیشه چپ‌گرای هنرمندان آلمانی آن دوران که به دنبال بر جسته کردن مستندات در دست بودند. این همان کاری است که میقاتی و شایان فر در «رادیوسیتی» انجام می‌دهند. آنان یک بنای تاریخی در نزدیکی محل اجرای خود می‌بینند و داستانی که در این بنا رخ داده‌است. یک گروه هنری قصد دارد برای اجرای خود، هزینه تولید را از ثروتمندان بیشتری رادیوسیتی به سرقت برند. نمایش بستری می‌شود برای روایت این رویداد، ورود ساواک و از هم پاشیدن یک گروه تئاتری. با آنکه سرقت موفقیت آمیز بوده! اما نمایش هیچ گاه شکل نمی‌گیرد.

گروه «رادیوسیتی» برای این روایت به سراغ مستندات رفته‌اند. از تصاویر آرشیوی گرفته تا تکه‌های روزنامه و نامه‌های ساواک. میقاتی که رمان نویس است از یک داستان کوتاه، روایتی طولی می‌آفریند. به آن شاخ و برگ می‌دهد و از بستر تخت و ساده تاریخی، خارجش می‌کند. نتیجه‌اش می‌شود چهار شخصیت که برای تولید اثرشان زردی کرده‌اند و یک مأمور ساواک که برای کسب اطلاعات وارد روابط عاشقانه به متهمان می‌شود. نکته جذاب این است که همه چیز به شکل مستند آمده‌است و کمتر تلاش شده‌است که شرایط به سمت دراماتیزه کردن پیش‌رود. این همان نقطه‌ای است که «رادیوسیتی» از تئاترهای مستند چند ساله اخیر مجزا کند. در تئاترهای مستندی که در این مدت دیده‌ام، عموماً مونولوگ هستند. این آثار بیوگرافیکی هستند با درون مایه‌های مشخص که به سمت نوعی احساسات‌گرایی پیش می‌روند. تئاترهای مستند

نگاهی به نمایش «رادیوسیتی»

تاریخ‌های پاک‌شده



احسان زبور عالم

اگر تنها یک بار در پنجاه سال گذشته حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر یا بالعکس را پیاده پی‌موده باشید، با غول سفید رنگی مواجه شده‌اید که روزگاری یکی از لاکچری‌ترین سازه‌های پایتخت بوده‌است. هر چند عموم ما بی‌تفاوت از کنارش گذشته‌ایم، چرا که آن را مخروبه‌ای به جامانده از فقدان چیزی دانسته‌ایم! اما رادیوسیتی، این سازه غول‌پیکر هنوز زیبا در دلش داستان‌هایی دارد که که بدونش را جذاب‌تر می‌کند. بودنی که نه واسطه چرایی ساخته شدنش مطرح می‌شود و از سبب تعطیل شدنش جذابیت «رادیوسیتی» در رویدادهایی است که پاک‌شده‌اند و ما همچون گذرهای بی‌خبر خود از کنار رادیوسیتی از این داستان‌هایی خبر می‌مانیم.

مهام میقاتی و احسان شایان فر در پروژه تازه‌اش قصد واکاوی یک قصه پاک‌شده را دارد، قصه‌ای که در نگاه اول نه جذاب است و نه مهم! اما در بستر فرم اجرایی بدل به یک رویداد تاریخی می‌شود. «رادیوسیتی» دیگر نه یک ساختمان عظیم که یک ایدئولوژی حاکم می‌شود. از جنبه موزه تاریخی خود خارج می‌شود و بدل به یک آنتاگونیست می‌شود. این آنتاگونیست می‌تواند هم ناجی یک گروه هنری باشد و هم مدبج آن.

به نوعی رقم خورده‌است که دیگر نیازی نیست به رادیوسیتی شبیخون زد، در میان فیلم «پرنندگان» هیچکاک، در آن صحنه حمله مرغان دریایی، کبوتران را رها کرد. انگار تاریخ دگرگون شده‌است.

«رادیوسیتی» ساده و بی‌پیرایه‌است. همانند نمایش «شهرزاد» تینا یونسی تبار «باز یگر نمایش» می‌خواهد صادق باشد. می‌خواهد از وجه سیاسی درون متنی خود نیز فاصله بگیرد. هر چند نمایش درباره هنرمندان حزب توده است؛ اما گویی به رفتار چپ‌گرایانه شخصیت‌ها نیز انتقاد دارد. انتقادی که در سخنرانی نهایی مهم میقاتی، نویسنده نمایش‌نامه متبلور می‌شود. سخنرانی او خودش یک پروفورمنس مستند است. می‌تواند به دقت اجرای «رادیوسیتی» باشد، مستند و مستدل با استفاده از سندها و تصاویر.

